

وضعیت درآمد و هزینه های مشروطه خواهان و استبدادطلبان در دوره استبداد صغیر با تکیه بر روزنامه حبل المتین کلکته

محمد امیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر در پی جستجو و بررسی وضعیت اقتصادی و منابع تأمین هزینه افراد و جریانهای استبدادطلبان در دوره موسوم به «استبداد صغیر» برای بازیابی مشروطیت و بازگشایی مجلس شورای ملی و اجرای قانون اساسی رو در روی حاکمیت استبدادی محمدعلی شاه قرار گرفته بودند. با بررسی های به عمل آمده وضعیت اقتصادی ایران در دوره مورد نظر وضعیت مطلوب و رو به رشدی نبوده است. بنابراین پرسشی که مطرح می شود این است که با توجه به اوضاع بد اقتصادی و فقر عمومی، هم حاکمیت و هم معارضان آن چگونه توانستند هزینه مبارزات و مقاومت ها را تهیه کنند؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که مجاهدان مشروطه خواه با استفاده از ترفندهای گوناگون از جمله کمکهای مردمی، ضیعت و توقیف گمرکات جنوب و حتی زینت آلات زنان علاقمند به آزادیخواهی، توانستند هزینه های خود را تأمین نمایند. شاه و دربار نیز دست به ترفندهایی مانند اخذ وام خارجی و فروش جواهرات سلطنتی زد ولی ناموفق بود. این نوشتار به روش توصیفی و بر مبنای گزارش های روزنامه حبل المتین کلکته در دوره استبداد صغیر و تطبیق این گزارش ها با منابع معتبر و دست اول گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: حبل المتین، استبداد صغیر، استقراض، جواهرات سلطنتی، اقتصاد.

^۱-پژوهشگر تاریخ معاصر ایران

مقدمه

زمانی که انقلاب مشروطه در ایران رخ داد بیش از یکصدسال از عمر سلطنت قاجار میگذشت و در طی این مدت اقتصادی ورشکسته، صنعتی نابود شده و تجارتی بدتر از دو مورد پیشین برای جامعه ایران به ارث رسیده بود. خزانه ی خالی شاه از یکسو، مخارج گزاف دربار از سوی دیگر موجب چربش خرج بر دخل گشته و دربار را وادار به اخذ وام از کشورهای خارجی نموده بود. به همین دلیل بود که روسها در ایران بانک استقراضی را تأسیس کردند تا به ایران وام بدهند. آنچه بعنوان ضمانت وام ها به وام دهنده اعطا می شد در واقع منابع درآمد کشور از قبیل گمرکات شمال و جنوب، آزادی تجارت بیگانگان در داخله ایران، بهره برداری از منابع مختلف در درون خاک ایران و موارد متعدد دیگر بود. در واقع یکی از علل بوجود آمدن انقلاب مشروطه نارضایتی مردم از اوضاع اقتصادی ناهنجار کشور بود. مشروطه شدن کشور هم توانست اقتصاد کشور را نجات دهد. زیرا با مقاومت جدی صاحبان منافع روبرو شد. یکی از علل مخالفت محمدعلی شاه و پیرامونیانش با مشروطیت این بود که مجلس حقوق نامشروع دربار را کم کرده بود و دیگر اینکه با استقراض خارجی مخالفت کرده بود. روزنامه حبل المتین کلکته یکی از نشریاتی بود که در همه زمینه ها سعی در افشای فسادهای دربار و دولت قاجار داشت. با توجه به اینکه این نشریه در خارج از حوزه جغرافیایی ایران چاپ می شد، قابل سانسور نبود.

بنابراین بسیاری از مشروطه خواهان داخل و خارج ایران می توانستند گزارش هایی از فسادهای درونی حاکمیت را از طریق این نشریه به گوش مردم ایران برسانند و موجب بیداری عمومی گردند. در این پژوهش به بررسی اوضاع اقتصادی در عصر استبداد صغیر با تکیه بر این روزنامه پرداخته میشود و به این پرسش پاسخ داده می شود که با وجود سلطه استبداد بر کشور و ضعف اقتصادی عمومی مردم، مشروطه خواهان چگونه توانستند هزینه های مبارزات را تهیه کنند؟ بررسی منابع و اسناد نشان می دهد که مبارزان مشروطه خواه به روش های مختلف از جمله ضبط و توقیف درآمد گمرکات جنوب، ترغیب مردم به عدم پرداخت مالیات به دولت استبدادی و در عوض پرداخت آن به نیروهای مبارز و مشروطه خواه، کمک های مردمی که عمدتاً از طرف تجار و بازاریان پرداخت می شد و در نهایت زینت آلات زنان مبارز و مشروطه خواه، هزینه های رویارویی با حکومت محمدعلی شاه را بدست می آوردند. در مقابل، محمدعلی شاه هم برای تأمین هزینه های خود و دربار در نظر داشت از

طریق اخذ وام از روسیه و انگلیس و یا فروش جواهرات سلطنتی، مخارج خود و دربار را تامین کند که البته این تلاش ها به دلیل عدم اعتماد دولت های انگلیس و روس و فشارها و تهدیدهای مخالفان، قرین به موفقیت نبود. پژوهش به روش توصیفی و مبنی بر گزارش های روزنامه حبل المتین و تطبیق این گزارش ها با منابع تاریخی معتبر و دست اول انجام گردیده است. پیشینه تحقیق:

روزنامه حبل المتین کلکته در شماره های متعدد سالهای ۱۳۲۶ و ۲۷ قمری مصادف با دوران استبداد صغیر، تحلیل های اقتصادی را منتشر کرده است و طی گزارش هایی به مبارزان رهنمود می دهد تا از پرداخت مالیات به دولت استبدادی جلوگیری کنند و در عوض مالیات ها در اختیار مبارزان قرار گیرد. از این گذشته تجار ساکن هند را تشویق می کند تا برای تداوم مبارزه علیه استبداد قاجار به آزادیخواهان کمک مالی بنمایند. در این رابطه صندوقی در محل روزنامه مستقر می شود. در دوره ی کنونی نیز آقایان سجادحسینی و جعفرآقازاده و خانم حمیده آرمون به مسایل اقتصادی دوره ی مورد نظر پرداخته اند. آقای همایون کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی ایران نیز به اقتصاد دوره ی مورد نظر پرداخته است. نگارنده بر این باور است که در این پژوهش گزاره هایی مطرح شده که کمتر در کتاب های تاریخی به آنها پرداخته شده است.

موضوع استقراض در دوران استبداد صغیر

تا پیش از مشروطیت ، مظفرالدین شاه در دو نوبت از انگلیس و روسیه به توسط بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی مبالغی وام گرفته بود و در مسافرت به فرنگ آنها را هزینه و کشور را مدیون کرده بود . در دوران مشروطیت ، در قانون اساسی ، اصل ۲۴ ، آمده بود : « بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها ، اعطای امتیازات « انحصار » تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه ، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد ، باستثنای عهدنامه هایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد . » و اصل ۲۵ : « استقراض دولتی به هر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد » (حبل المتین ، ۱۳۲۶ : ۱۴-۱۳) (ناظم-الاسلام کرمانی ، ۱۳۶۲ : ۳۸) (مورگان شوستر ، ۱۳۶۲ : ۳۷۸) به همین دلیل در راستای اجرای قانون اساسی و جلوگیری از سوء استفاده درباریان ، مجلس شورای ملی بر آن شد که با هر گونه دریافت وام خارجی تحت هر شرایطی مخالفت نماید . در سال ۱۹۰۶ محمد علی شاه و به تحریک وی دولت ،

برای گرفتن وام از بیگانگان باب مذاکرات را گشود اما با همه تلاشی که دولت در این راه نمود مجلس با قاطعیت آن را رد کرد و شاید یکی از عواملی که موجب دشمنی شاه و درباریان با مجلس شد همین مخالفت با قرضه خارجی بود. با تمام کوشش مشروطه خواهان جهت رهایی از بی پولی و فلاکت، راه بجایی نبردند، اگر چه تأسیس بانک ملی و کم کردن حقوق درباریان و نظم بخشیدن به نحوه مالیات گیری موجب بهبود نسبی گردید اما شاه جهت تحکیم موقع خویش نیاز به پول داشت. حبل المتین در باب رابطه میان سرکوب مجلس و استقراض خارجی چنین بحث می کند: «..... دو دولت روس و انگلیس از قبل از مشروطیت سعی در دادن وام به مظفردالدین شاه داشتند فقط امضاء ملت را می خواستند تا مجلس برقرار شد، اول پیشنهاد دولت به مجلس استقراض بود، مجلس زیر بار نرفت و علت اختلاف بین دولت و مجلس از همین جا بود، آوردن امین السلطان هم برای این استقراض بود ولی کوشش وی هم بجایی نرسید..... مجلس اگر بر پا شد بمنظور همین استقراض بود و اگر بر هم خورد بخاطر عدم همراهی و کلاء بود و اگر مجدداً هم بر پا شد به همین منظور است و اگر باز هم و کلاء امضاء نکردند دوباره نیز بر هم خواهد خورد.» (حبل المتین، ۳۲۶ ق: ۱)

هنوز یکی دو هفته از پیروزی ظاهری محمد علی شاه نگذشته بود که وی خود را در مقابل مشکلاتی که حل آنها دشوار بنظر می رسید می دید. از مهمترین آنها خالی بودن خزانه را می توان نام برد. بدلیل هرج و مرج داخلی و درگیریها در سراسر کشور، مالیات به درستی وصول نمی شد و بخش اعظم آن به جیب درباریان و حکام محلی می رفت. شاه نیز برای مخارج اردو کشی به آذربایجان و سرکوب مشروطه خواهان و همچنین هزینه نگهداری دستگاه تبلیغاتی خود در تهران و شهرستانها نیاز شدید به پول داشت. در این زمان وضع کردن مالیات تازه هم به صلاح نبود و هم در توان دولت نبود. به ناچار محمد علی شاه برای بدست آوردن پول، دست نیاز به سوی بیگانگان دراز نمود. سعد الدوله مأمور انجام این کار گردید و با دولتهای خارجی از جمله روسیه و فرانسه و انگلیس وارد مذاکره شد. در این راه سعی دولت بر این بود که موضوع استقراض، محرمانه و مخفی باقی بماند. اما به زودی مردم از چگونگی امر آگاه شدند. بنابراین از هر سو دست بکار شده تا مانع انجام این امر شوند. حبل المتین متن اعتراضیه علمای نجف را به سفرای دول نسبت به استقراض چنین می نویسد: «... مقام ریاست روحانی اسلامیه ایران به اقتضای وظیفه مقامیه خود خاطر آن جناب را متوجه می خواهد که ایران نظر به استقلالیت تامه ای که دارد تمام معاملاتی که از قبیل استقراض و رهن و امتیاز و هر گونه مقاوله را که امضاء نکرده و موافقت با قانون اساسی نداشته باشد و با حکومت غاصبه حاضره

منعقد شود بمقتضای بند ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ قانون مزبور معتبر نخواهد شمرد... مستدعی است این معروضات را بحکومت متبوعه خود تبلیغ و احترامات ما را بپذیرید . « (جبل‌المتین، ۱۳۲۶، ق: ۲، ۱۳۲۷، ق: ۱۱)

از سوی دیگر انتشار خبر استقراض سر و صدایی در ایران و در مجامع ایرانیان مهاجر کشورهای اروپا بر پا کرد و سیل اعتراضات به طرف دولتهایی که وارد مذاکره با ایران شده بودند سرازیر شد و اعلامیه های شدید اللحنی منتشر گشت و در اکثر روزنامه های آزاد جهان مقالات انتقاد آمیزی بر ضد دولتهایی که بر ضرر ملت ایران وارد مذاکره شده بودند منتشر و گوشزد نمودند که این پول را محمد علی شاه برای خرج کردن در راه مبارزه با ملت ایران و مغلوب کردن قیام مشروطه خواهان نیاز دارد . مهدی ملک زاده متن اعلامیه را به شرح زیر آورده است: « بر طبق اصول مشروطیت و قانون اساسی ایران که جمیع دول عالم رسمیت آن را شناخته اند ، هیچ دولتی در ایران نمی تواند بدون تصویب مجلس شورای ملی از یک دولت خارجی پول قرض کند و یا امتیازی بدهد و بنابراین هرگاه یکی از دول به دولت ایران پولی قرض بدهد ملت ایران خود را مدیون در مقابل دولت قرض دهنده نمی داند و باید پولی را که به دولت ایران قرض می دهد از دست رفته بداند . « (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۷-۸۵۶)

به ظاهر دولت ایران از دو دولت روس و انگلیس تقاضای قرضه ای به مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ لیره برای اصلاح اوضاع مالیه نموده بود ولی واقعیت طور دیگری بود . شاه این قرضه را برای پر کردن جیب خود و پس اندازش می خواست تا بتواند ضمن راضی نگه داشتن افرادی مانند امیر بهادر جنگ که در این زمان سمت سپهسالاری داشت ، جهت سرکوب قیام تبریز تهیه قشون بنماید. و ضمناً مواجب معوقه قشون نظامی را نیز پرداخت کند . کتاب آبی تحت عنوان تلگراف عالیجناب ادوارد گری به آقای مارلینگ بتاريخ ۵ / سپتامبر / ۱۹۰۸ یادآور می شود: « دولت اعلیحضرت حاضر است به محض اینکه آقای بیزو (Bizot) موقع را مناسب بداند پیشنهادی که در ۱۹۰۶ شده بود بموقع اجرا بگذارد به این معنی که بریتانیای عظمی و روسیه مبلغ ۴۰۰۰۰۰ لیره به دولت ایران به رسم مساعده خواهند پرداخت ولیکن پرداخت این قرضه منوط به شروط زیر خواهد بود:

الف- این قرضه برای قلع و قمع مشروطیت بکار نرود بلکه طوری مصرف شود که در واقع کمکی برای مشروطیت باشد . این مقصود ممکن است به این ترتیب بعمل آید که زمان قلیلی معین گردیده ، شرط بشود که تا آن وقت یا مجلس باید قرضه را تصویب نماید و یا اینکه اصل وجه از طرف دولت

ایران به دولتین مسترد گردد. ب- ضمانت مناسبی برای مصارف این قرضه باید داده شود.» (کتاب آبی، ۱۳۷۷: ۱۹۵)

شاه خود را در یک محاصره سخت احساس می کرد. زیرا از یک سو در تنگنای شدید مالی قرار داشت، بطوریکه نزدیک بود اطرافیان خود را نیز از دست بدهد و از سوی دیگر اعطای قرضه منوط به انجام انتخابات و افتتاح مجلس به سبک مجلس اول شده بود. بنابراین تلاش شاه و درباریان این بود که اگر بتوانند با برقراری یک مجلس تشریفاتی زیر نظر شاه، توجه دولتین قرض دهنده را به خود جلب کنند. بهمین دلیل شاه توسط سعدالدوله به نمایندگان دولتین پیغام داد که: « آیا در صورت اعطای مشروطه دولتین حاضر خواهند بود که چهارصد هزار لیره به او قرض بدهند یا خیر جرج بارکلی از سوی نمایندگان دو دولت به سعدالدوله گفت: به اعلیحضرت شاه اطلاع بدهید که عجالتاً به هیچ وجه امید آن نیست که دولتین برای دادن قرض منظوره حاضر بشوند مگر در تحت حکومت مشروطه و مقصود از این مشروطه آن نیست که فقط شاه دستخطی صادر نموده و وعده اعطای مشروطه به رعایای خود بدهد بلکه لازم است که مشروطه بموقع اجرا گذارده شود و تأمینات لازمه به دولتین داده شود که وجه استقرای به محللهایی به قاعده صرف شود » (کتاب آبی، ۱۳۷۷: ۱۶۵، کاظم زاده ۱۳۵۴: ۱۹-۵۱۸)

حبل المتین هم منظور شاه را از وعده انجام انتخابات جدید و تشکیل مجدد مجلس همان گرفتن قرض می داند و چنین اظهار نظر می کند: « در عرض این مدت اقداماتی که برای استقرای از خارجه نمود بواسطه نبودن مجلس شورا و لزوم امضای نمایندگان ملت تماماً بی نتیجه ماند امروز مجبور است که صورتاً مجلس شورایی تشکیل داده اولاً رفع تعرضات دول را از خود بنماید. ثانیاً استقرای که مجبور به آن است انجام دهد محمدعلی میرزا را از این اعلان انتخابات جز انجام قرضه جدید منظوری نیست، بطور حتم اول امری که به مجلس شورا پیشنهاد خواهد شد امضای همین قرض است، این قرض هم مسلماً مبلغ هنگفتی است، انجام این استقرای همان و مجدداً بر هم زدن اساس مشروطه همان » (حبل المتین، ۱۳۲۶ق: ۷) (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۸۵۷)

پیش از این محمدعلی شاه، علاء الملک را به سن پترزبورگ فرستاده بود تا ضمن مذاکرات سیاسی و اطمینان از تداوم حمایت از شاه، راه را برای اعطای این قرضه هموار کند که با توجه به هماهنگی دو دولت روس و انگلیس در عدم پرداخت قرضه با شرایط سیاسی حاضر (استبداد صغیر)، وی نیز بدون نتیجه از روسیه مراجعت کرد. در آغاز سال ۱۹۰۸ م و در حالی که هنوز چند ماهی به آغاز استبداد

صغیر باقی مانده بود دولت ایران بمنظور انجام اصلاحاتی در امور مالیه و احتمالاً در راستای ترغیب دولت فرانسه به دادن وام به ایران، یک نفر مستشار مالی فرانسوی بنام مسیو بیزو را به استخدام خود در آورد. بیزو که سعی داشت این قرضه از سوی دولت فرانسه انجام شود، پس از مدت کوتاهی به مشکلات عدیده پیش روی خود پی برد و تقریباً از انجام اصلاحات نا امید شد، زیرا وی فکر می کرد که با کمک شاه می توان از اجحافات اطرافیان جلوگیری بعمل آورد ولی در ملاقات خود با شاه و طرح موضوع، با سردی پذیرفته شد و به سخنانش چندان توجهی نشد. بنابراین در آوریل ۱۹۰۸ گواهی داد که دیگر ایران آه در بساط ندارد. به همین دلیل دولت فرانسه حاضر شد مبلغی به ایران وام بدهد به شرط آنکه مبلغ مذکور با تصویب مستشار مالیه خرج شود ولی: « سیل افکار عمومی برضد قرضه مذکور و متوجه کردن دول دهنده به اینکه ملت ایران خود را مدیون قرض دهندگان نمی داند و خبرهایی که هر روز از اوضاع آشفتنه و رویه ظالمانه محمد علی شاه و درباریانش می رسید و فتوحات مشروطه خواهان تبریز و نهضت های ملی که در نقاط مختلف ایران بوجود آمده بود مانع از اعطای چنین قرضه ای می شد ... » (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۸۵۷ (کسروی، ۱۳۶۹: ۹-۷۴۸)

در خود فرانسه هم طرفداران آزادی نسبت به حمایت دولت فرانسه از اعطای قرضه به محمد علی شاه سخت اعتراض کردند و اظهار داشتند: « خیلی مقام تأسف است که فرانسه تأیید به استقراضی کند که میلیونها از آن وجه صرف اشخاصی می شود که ظلم صریح می نمایند. » (جبل الممتین، ۱۳۲۷ق: ۲۴)

با وجود مخالفت های آشکار دو دولت روس و انگلیس با دادن قرضه به محمد علی شاه، وی دست از طلب بر نمی داشت و حتی سخت ترین شرایط را می پذیرفت تا بتواند وام دریافت کند، بطوریکه حاضر شد شرایط پنجگانه دولتین روس و انگلیس را بپذیرد و سرانجام تسلیم شود. کتاب آبی در این مورد می نویسد: « در ۸ آوریل تلگرافی از نیکلسن به ادوارد گری ارسال شد که آخرین صورت برنامه صلاح اندیشی دولتین روس و انگلیس به اعلیحضرت شاه عرضه خواهد شد که طی آن دو کشور خواستار: ۱- برکناری مشیر السلطنه و امیر بهادر جنگ، ۲- تجدید تأسیس حکومت شورایی در ایران ۳- تشکیل کابینه ای مرکب از افراد قابل اعتماد ثقه و افزودن یک عده اشخاص تربیت شده از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی، ۴- اعطای عفو عمومی به همه مجرمین سیاسی، ۵- تعیین موعدی برای انتخابات مجلس و اعلان بدون تأخیر آن به همه مملکت. چنانچه این شرایط پنجگانه پذیرفته شده و بموقع اجرا گذاشته شوند، دولت روس ممکن است اگر لازم بداند مبلغ دو

۳۱/ امیری: وضعیت درآمد و هزینه های مشروطه خواهان و استبدادطلبان در دوره استبداد صغیر...

میلیون و پانصد هزار فرانک جهت مصارف فوری که برای اصلاحات مقدماتی لازم است به دولت ایران قرض بدهد ... » (کتاب آبی، ۱۳۷۷: ۲۰۵) (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۲۰-۵۱۹) (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۴۶۴)

محمد علی شاه همه شرایط را پذیرفت. زیرا بدلیل حملات همه جانبه به سوی پایتخت چاره ای جز تسلیم نداشت. اما شاید هنوز هم در فکر آن بود که پس از دریافت وام بار دیگر موقعیت خویش را مستحکم کند ولی دست قضا به او فرصت نداد و حملات مشروطه خواهان به تهران موجب بر چیده شدن دستگاه استبداد گردید. دولت روس با اعطای قرضه موافق بود ولی بدلیل اتحاد با انگلیس نمی توانست مستقلاً عمل کند. به همین دلیل فقط به این امر توصیه می کرد و دلایل توجیهی این کشور اینگونه بود: « مسئله استقراض چیزی است که شاه را مجبور می نماید در قبول تکالیف دولتی روس و انگلیس برای سلطنت مشروطه که بتواند از او استفاده کند ولی در استحکام و انتظام امور و نیز برای اطمینان قرض دهندگان لازم است که نمایندگان آنها بطور مشاور و مصلحت گذار در کارها نگرانی داشته باشند. » (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۲۳)

به هر صورت قرضه ای که از پیش از آغاز استبداد صغیر مورد بحث و نظر بود حتی در سخت ترین شرایط بی پولی دربار پرداخت نشد و فشار افکار عمومی دنیا و دسته بندیهای نظامی جهانی ایجاب می کرد که دولتهای قرض دهنده نتوانند از استبداد پشتیبانی نمایند، به همین دلیل تا پایان استبداد صغیر موضوع قرضه و استقراض همچنان مطرح ولی مسکوت ماند

فروش جواهرات سلطنتی

ناکامی و ناامیدی دربار استبداد از اخذ وام خارجی از یکسو، خالی بودن خزانه، عدم وصول مالیات، فشار از سوی مشروطه خواهان و تعویق در پرداخت مواجب قشون موجب استیصال بیش از حد دربار استبداد گردید. بطوریکه شاه حاضر شد جواهرات سلطنتی را که در واقع اعتبار سلطنت بودند برای دریافت مبلغی قرضه به رهن بگذارد و یا حتی بفروشد. بنابراین با وساطت مسیو بیزو (Bizot) مستشار فرانسوی مالیه، از بانک انگلیس درخواست وام چهارصد هزار لیره در مقابل رهن جواهرات نمود ولی بانک مزبور از انجام اینکار خودداری کرد. ملک زاده علت این خودداری را اینگونه بیان می کند: « علت حقیقی امتناع بانک این بود که مراکز ملیون پس از اینکه از قصد محمدعلی شاه آگاهی پیدا کردند به بانکها اخطار کردند که جواهرات دولتی متعلق به ملت ایران است و بر طبق اصول

مشروطیت و قانون اساسی، شاه حق ندارد جواهرات دولتی را تحت هیچ عنوان بفروشد و یا گرو بگذارد و هرگاه بانک انگلیس یا بانکهای دیگر اقدام به گرو گرفتن جواهرات دولتی بنماید اقدام آنها بر خلاف حق و قانون بوده و عمل آنان را ملت ایران در حکم تقویت یک پادشاه غاصب و ظالم و دشمنی با مشروطیت تلقی خواهند کرد.» (ملک زاده، ۱۳۶۳ : ۱۰۰۵)

هرگاه افراد پیرامون محمدعلی شاه خیرخواه مملکت و یا حتی خیرخواه شاه بودند می‌توانستند بجای روی آوردن به راههای ضد منافع ملی، کمی از توقعات بی مورد خود می‌کاستند تا خزانه کشور اینچنین خالی نشود که مجبور به گرو گذاشتن و یا فروش جواهرات سلطنتی که در میان آنها الماس معروف دریای نور نیز وجود داشت، بشوند. جواهراتی که سرمایه ملی و پشتوانه سیستم پولی کشور نیز بودند. اما متأسفانه بقدری اولیاء دولت، ظلم و ستم می نمودند که حتی عده‌ای از خود مستبدین زوال استبداد را خواستار بودند. حبل‌المتین در چندین مورد متعدد موضوع فروش جواهرات را پوشش خبری داده و آن را محکوم کرده است. در اینجا بطور اختصار مواردی ذکر می شود: « شاه جواهرات شخصی خود را به بانک روس رهن گذاشته، دوازده هزار لیرا قرض گرفته که به مصارف مستعجله خود برساند .. مقدار زیادی از جواهرات سلطنتی بدست یکی از کمپانی های فرانسه افتاده و برای فروش جواهرات با کمپانی های دیگر فرانس گفتگو جاری نموده است. ... چندی قبل سخن از فروش جواهرات خزانه در میان بود. اگر مقصود از فروش جواهرات، تقسیم بهای اوست، نتیجه اش سراسر شر است و محو و انقراض، اما اگر مانند دول مشروطه اداره مالیه و سایر ادارات ما نظم و ترتیب صحیحی پیدا نماید و جواهرات به بهای صحیحی بفروش برسد و وجه قیمت آنها بدستور یادداشت مخصوص که بحضور رؤسای که عالم و خیرخواه دولت و ملت و وطن دانسته، پول طلا برگشته و در خزانه علیحده حفظ و از نمو[رشد، سود] آن به اصلاح دوایر دولت و نواقص ملک پرداخته طریق ثروت هیئت اجتماعی را آماده و مهیا نمایند عین صواب است. » (حبل‌المتین، ۱۳۲۷ق:، ۲۳، ۱۳۲۷ق، ۲۰، ۱۳۲۶ق، ۹) (براون، ادوارد، بی تا: ۱۶۸)

بی پولی دربار و نیافتن قرضه موجب شد که حتی دربار اقدام به فروش کتابخانه سلطنتی نماید. این کتابخانه که یکی از ممتازترین کتابخانه های مشرق زمین در آن زمان بود در واقع همانند جواهرات سلطنتی بخشی از سرمایه دانش ملی بود که می‌خواست به یغما رود. حبل‌المتین یاد آور می شود که: « بموجب خبر موثق، به سبب خالی بودن خزانه و نیافتن قرض و بی پولی دستگاه، درباریان گرسنه را وادار کرده که کتابخانه سلطنتی که ممتازترین کتابخانه های شرق است بفروشد. بسیار کتابهای

قلمی مذهب قدیم نادره را به قیمت نازل فروختند و چند جلد کتاب ممتاز را به ۶۰ الی ۷۰ هزار تومان بخارجه فروخته اند. یک جلد کتابش را یکی از یهودیان به چهار هزار تومان خریده است، اکثر کتابها را اهالی لندن می خرنند...» (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۱۷) بدین ترتیب دربار درمانده محمد علی میرزا به هر تلاشی جهت موفقیت و تداوم سلطنت خود دست می زد ولی مردم با مقاومت کلی و بیرون کشیدن ابتکار عمل از دست شاه مانع قرضه خارجی شدند.

منابع مالی مستبدین

در تمام ممالک جهان معمولاً حکومت ها از لحاظ مالی اول بر مالیاتهای اخذ شده از رعیت اتکا داشتند و منابع دیگر در مراحل بعدی قرار داشت. بطوریکه هر گاه حکومتی نمی توانست مالیات ها را بدرستی وصول کند دچار مضیقه مالی می گردید. در دوران قاجار و بویژه در زمان انقلاب مشروطیت نحوه ی مالیات گیری چنان افسار گسیخته شده بود که شاید یکدهم آنچه از مردم گرفته می شد به مرکز فرستاده نمی شد و این خود یکی از دلایل رشد نارضایتی در میان ملت گردید. مالیاتی که وصول می شد بجای اینکه خرج آبادانی مملکت گردد به جیب افرادی خاص از درباریان می رفت و یا خرج مجالس عیش و نوش شاه می شد. حبل المتین در تحلیلی از نحوه ی پرداخت مالیات و چگونگی مصرف آن چنین یاد می کند: «... این نکته را باید دانست که مالیات اسبابی است که فقط از جهت پایداری شریعت الهی و محافظت حقوق ملتی و مملکتی وضع گردیده و هیچ دولتی که پایبند شریعت و احکام الهی نباشد به هیچ وجه محق نیست که مطالبه مالیات کند و آن را بگیرد... در دوران قاجار... وجوه مالیاتی که از جیب فلان بزرگ یا بهمان کاسب بیچاره بیرون آمده یا عایدات گمرکی که از کیسه فلان تاجر در رفته با کمال سرعت سیر در جیب حکام ظلم پیشه میرفته و از آنجا به تندی برق و باد داخل خزانه سلطنتی می شده و بعد از اندک توفقی یا در وجه امردان قشنگ یا بحواله لولیان شوخ و شنگ میرفته و یا اینکه ندرتاً برای خرید مبل و اثاثه خلوت خانه فرنگستان طی الارض می کرده است.» (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۱۵-۱۴)

یکی دیگر از منابع مالی مستبدین گمرکات بود. عایدات این منبع هم تماماً وارد خزانه سلطنتی می گردید و پول آن کاملاً در اختیار شاه قرار می گرفت. پادشاهان قاجار معمولاً در قبال قرضه هایی که از بیگانگان می گرفتند گمرکات شمال و جنوب را به رهن می گذاشتند. در دوران استبداد صغیر این منبع مالی نیز تا حدود زیادی از دربار گرفته شد. گزارشها حاکی است که عایدات گمرک بندر عباس

و بوشهر که در اختیار انگلیسیها بود، بدست مشروطه خواهان افتاد و آنها نیز عایدات را صرف خرید اسلحه و تجهیزات جهت مبارزه با استبداد نمودند. کتاب آبی در گزارشی وضع گمرک شهرهای جنوبی و چگونگی مصرف درآمد آن را چنین توضیح می دهد: «قونسولگری انگلیس باید به ملیون اطلاع دهد که عایدات گمرک خلیج نزد دولت انگلیس مرهون است و باید از آنها تقاضا بشود که عایدات گمرک بندر عباس را به قونسولگری مسترد بدارند که با مراقبت قونسولگری منحصرأ به مصرف تأدیه فرع قرضه های دولت انگلیس برسد. ممکن است خاطر نشان آنها بشود که وقتی که ملیون تبریز ملتفت شدند که عایدات گمرک آنجا نزد دولت روس رهن است دیگر مداخله ای در آن نمودند.» (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۹۵)

از این سخن معلوم می گردد که گمرک جنوب در رهن انگلیس بوده است و قونسولگری این کشور در مورد تصرف گمرک خانه توسط مردم واکنش داشته و شاید به آنها چنگ و دندان نیز نشان داده و دیگر این که گمرک توسط نیروهای مشروطه خواه تصرف شده و دربار محمدعلی شاه از این امکان بی بهره شده است. حبل المتین هم گزارش می دهد که: «چندین ماه است که دخل دولت منحصر به گمرکات خلیج فارس بوده و روزانه آنچه دخل گمرکات بود با حواله تلگرافی به تهران می رسید. استقامت استبداد را می توان گفت تا این درجه از این اعانه مالی خلیج بود اینک رزق حکومت باغشاه قطع گردیده» (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۲۲)

در دوران استبداد صغیر منابع مالی استبداد طلبان که عمدتاً مالیات گیری و عایدات گمرکات بود بنحو محسوسی کاهش یافت، بطوریکه در صفحات پیشین آمد فشار ناشی از تنگناهای مالی که بیشتر بر اثر کاهش منابع در آمد بوجود آمده بود موجب طرح موضوع استقراض شد که آنها هم بر اثر تحریم علما و افشاگری مشروطه خواهان به سرانجام نرسید و عاقبت تنگنای مالی موجب تسلیم شاه و برقراری مجدد مشروطیت گردید.

منابع مالی مشروطه خواهان

مشروطه خواهان به دلیل نداشتن وجهه قانونی، در ابتدای امر دچار مضیقه مالی شدند ولی پشتیبانی های مردمی و حمایت بازاریان موجب تقویت مالی جناح مشروطه خواه گردید. عمده ترین عاملی که در تقویت مالی مشروطه خواهان نقش داشت، خودداری از پرداخت مالیات به دربار محمد علی میرزا بود. اینکار در پی فتوای علمای بزرگ از قبیل آخوند خراسانی از نجف و سید عبد الحسن لاری از

فارس و سایر مجتهدین صاحب فتوا شدت پیدا کرد. حبل المتین فتوایی از آخوند خراسانی نقل می کند که: « دادن مالیات و عایدات گمرکات هم به مأمورین استبداد از اعظم اعانت بظلم و عدوان و سفک دماء و هتک اعراض و نهب اموال مسلمین است. » (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۱۶) این فتوا موجب شد تا علمای داخله ایران هم این حکم را اجرا کنند و از دادن مالیات به ضابطین حکومت خودداری ورزند. تقریباً در سراسر کشور حکم تحریم مالیات تبلیغ و اجرا گردید. به طوری که حبل المتین گزارش می دهد: « از مشهد خبر رسیده که اهالی بندر (بندر استر آباد است) عایدات گمرک را جلو گرفته بحکومت نمی دهند و این وجه را در ازای قرضه روسی تسلیم می نمایند. از جلفا خبر رسیده که کارگزاران از جانب انجمن ایالتی در خوی و سلماس برای پیشرفت کار مقرر شده که مالیات را از رعایا وصول نموده در موجب داوطلبان قشون و خرید اسلحه صرف نمایند، مشروطین مشهدسر [بابلسر] مبلغی را که از برای دولت در بندر جز [گن] می رفته گرفته و حکم داده اند که در عوض قرضه روس داده شود که واجب الاداست. » (حبل المتین، ۱۳۲۷ق: ۱۸)

بدین ترتیب بنظر می رسد تحریم پرداخت مالیات به حکومت و مصرف آن در راه تقویت مشروطه خواهی در سراسر مملکت شایع شده بود. منبع دیگری که موجب کمک به مشروطه خواهان گردید، تصرف گمرکات توسط مردم بود، بطوریکه در جنوب کشور این اتفاق افتاد و مبالغ زیادی از این راه بدست مشروطه خواهان افتاد. حبل المتین تلگرافی را از اهالی آذربایجان به جمیع ولایات بتاریخ ۱۳۲۶/۲/۱۵ به شرح زیر نقل می کند: « ... ادارات دولتی را به تدابیر یا به زور متصرف شوید، عایدات آن را خرج مدافعه نمائید، مگذارید از عایدات ملکی دیناری به مرکز برود، شمشیر بدست دشمن برای کشتن خود مدهید، فعلاً چیزی که بدرد حالیه دشمنان شما دواست همان وجوه نقد گمرک است، هر جا که از عهده تصرف ادارات دولتی عاجزید رعایا را از ادای مالیات باز دارید، چند ماهی ترک ورود امتعه خارجه کنید تا کار بمرام شود» (حبل المتین، ۱۳۲۶ق: ۶)

این نشریه در جای دیگری یادآوری می کند که کمک رسانی به نیروهای نظامی عازم به تهران باید از سه راه تأمین شود: « ۱ - اعانه غیر مستقیم تجار و ارباب ثروت و ملاکین ایرانی و کسبه اعم از خارجه و داخله بدون ملاحظه مذهب، ۲ - اعانه مستقیم باید از دخل گمرک و پست و تلگراف که راجع است به افراد ملت و کلیه مملکت، کمک و اعانه مالی به اردوی ملی بشود، این همان وجوهی است که در محل صرف نمی شد و تماش بعد از وضع مصارف خاصه آن بمرکز یعنی تهران می رفت، حالا همان را صرف لشکر کشی نمایند. ۳ - کمک مالیاتی است یعنی باید جداً در صد

وصول مالیات از روی صحت بر آمد و پس از وضع مصارف محلی بقیه را برای صرف قوای ملی روانه داشت، این امر وظیفه انجمنهای ایالتی و ولایتی است که از روی صحت عمل اقدام نمایند و این وظیفه عمده خود را انجام دهند.» (حبل‌المتین، ۱۳۲۷ق: ۲۰) در تبریز وقتی مجاهدان دچار تنگنای مالی شدند ناگزیر بایستی فکری می‌کردند. تا آن زمان از کسی درخواستی نکرده بودند، ولی در این زمان کمیسیون بنام کمیسیون اعانه ترتیب دادند که: «رسیده‌ها چاپ کرد و از روی دفتر و حساب از توانگران به پول گرفتن پرداخت و برای مجاهدان (هر تتی روزانه چهار قران) مزد نهاد. نیز در امیر خیز و خیابان [نام دو محله در تبریز]، نانوائی باز کرد که مجاهدان نان از آنجا گیرند.» (کسروی، ۲۵۳۷: ۷۱۰) (نبوی، ۱۳۵۰: ۴۰۰) کمکهای مردمی علاوه بر تقویت مالی مشروطه خواهان، موجب تقویت روحی آنان نیز گردید، چرا که احساس پشتگرمی و حمایت می نمودند.

نتیجه

با توجه به محتوای منابع معاصر مشروطه و تحلیل و بررسی واقعه استبداد صغیر این استنتاج حاصل می‌شود که مسائل مالی یکی از دغدغه‌های اساسی دربار قاجار و نیز مخالفان این حاکمیت استبدادی بوده و از سوی دیگر حربه‌ای در دست دو طرف واقعه بوده تا هرکدام بتوانند دیگری را در بن بست مالی و تنگدستی قرار دهند و از این راه پیروز شوند. محمدعلی شاه و مستبدین سعی در اخذ وام از انگلیس و روسیه داشتند که البته با تبلیغات و تهدیدهای آزادیخواهان و حمایت‌های داخلی و خارجی، این امر تحقق پیدا نکرد. بدنه نظام اقتصادی کشور هم دل با مشروطه خواهان داشتند و به همین دلیل برای اخذ مالیات از رعیت به نفع دولت استبدادی همکاری نکردند و این امر باعث شد تا دولت در فشار مالی شدید قرار گیرد. این تنگنا سبب شد تا فکر فروش جواهرات سلطنتی در سر شاه بیفتد. این تفکر هم با افشاگری‌های به موقع روزنامه حبل‌المتین و فتوای مکرر علمای مقیم نجف به جایی نرسید. مشروطه خواهان در ابتدا از نظر مالی متکی به کمک‌های مردمی مانند صندوق‌های اعانه‌تجار در داخل و خارج از ایران بودند.

در ادامه مسیر مبارزه با خودداری مالیات دهندگان و کمک بدنه نظام مالیاتی کشور، این منبع درآمد نیز کم و بیش به دست رهبران مشروطه خواه افتاد و بدین ترتیب مبارزان و آزادیخواهان از نظر مالی تقویت شدند و توانستند به جذب و جلب نیرو و تجهیزات بپردازند. سرانجام این تقویت‌ها موجب گسترش جغرافیایی مبارزات در ایران و در نهایت پیروزی مشروطه بر استبداد شد.

منابع و مأخذ

- براون ، ادوارد ، (بی تا) تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت ، ترجمه محمد عباسی ، انتشارات کانون معرفت
- رضا زاده ملک ، رحیم. ۱۳۷۷، انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتابهای آبی) ، تهران، انتشارات مازیار
- شوستر ، مورگان ، ۱۳۶۲، اختناق ایران ، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری ، تهران، انتشارات صفی علی شاه
- کاظم زاده ، فیروز ، ۱۳۵۴، روس وانگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴) ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی
- کرمانی ، ناظم الاسلام ، ۱۳۶۲، تاریخ بیداری ایرانیان ، ج ۴ ، بخش ۲ ، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، انتشارات نوین - آگاه
- کسروی ، احمد. ۱۳۶۹، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر
- کسروی، احمد. ۲۵۳۷ شاهنشاهی، تاریخ ۱۸ساله آذربایجان، ج یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ملک زاده ، مهدی . ۱۳۶۳، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ، ج ۷-۴، تهران، انتشارات علمی
- مؤید الاسلام ، سید جلال الدین کاشانی ، ۱۳۲۶ق، نشریه جبل المتین کلکته ، سال ۱۶ ، از ش ۱ تا ۴۷
- مؤید الاسلام ، سید جلال الدین کاشانی ، ۱۳۲۷ق، نشریه جبل المتین کلکته، سال ۱۷ ، از ش ۴ تا ۸
- نبوی ، حسن . ۱۳۵۰، تاریخ معاصر ایران (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید) ، تهران انتشارات دانشسرای عالی

**The Status of Income and Expenses of Constitutionals and
Autocrats in the Period of Minor Tyranny Based on Calcutta's
Habalul Matin Newspaper**

Mohammad Amiri¹

Abstract

The present study seeks to investigate the economic situation and sources of financing of individuals and currents that were faced with the authoritarian rule of Mohammad Ali Shah during the so-called "minor tyranny" period to restore constitutionalism and reopen the National Assembly and implement the constitution. According to the studies, the economic situation of Iran in the period under review has not been favorable and growing. So the question is, given the poor economic situation and general poverty, how were both the regime and its opponents able to pay for the struggles and resistance? The research findings show that the constitutionalist Mujahideen were able to cover their expenses by using various tricks such as public aid, confiscation of the southern customs and even the ornaments of women interested in freedom. The king and the court also resorted to tricks such as obtaining foreign loans and selling royal jewelry, but were unsuccessful. This article has been compiled in a descriptive manner and based on the reports of Habal Al-Matin newspaper in Calcutta during the period of minor tyranny and the adaptation of these reports to reliable and first-hand sources.

Keywords: Habl- Al-Matin, Minor Tyranny, Borrowing, Royal Jewels, Economics

¹-Iran Contemporary History Researcher